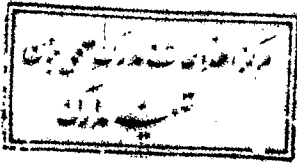


٢٧٤٥
١٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠
١٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

موضوع پایان نامه درجه کارشناسی ارشد

رشته روابط بین الملل

ساختارهای ناهمگون اقتصاد سیاسی و
واگرایی کشورهای منطقه خلیج فارس

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر ساعی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر شیرخانی

نگارش:

منصور آقامحمدی

سال تحصیلی:

۷۷-۷۸

با سپاس و قدردانی از زحمات پدر و مادر عزیزم
تقدیم به همسر صبور و مهربانم

فهرست عناوین

صفحه	موضوع
۵	پیشگفتار.....
۶	مقدمه « طرح پژوهش ».....

بهره نخست :

فصل اول: اختلافات مرزی و ادعاهای سرزمینی کشورهای منطقه خلیج فارس

۲۰	۱- اختلافات مرزی و سرزمینی عربستان سعودی - کویت
۲۳	۲- اختلافات مرزی و سرزمینی عربستان سعودی - قطر
۲۵	۳- اختلافات مرزی و سرزمینی عربستان سعودی - عمان
۲۶	۴- اختلافات مرزی و سرزمینی عربستان سعودی - امارات متحده عربی
۲۷	۵- اختلافات مرزی و سرزمینی عربستان سعودی - عراق
۳۰	۶- اختلافات مرزی و سرزمینی عراق - ایران
۳۲	۷- اختلافات مرزی و سرزمینی عراق - کویت
۳۵	۸- اختلافات مرزی و سرزمینی قطر - بحرین
۳۶	۹- اختلافات مرزی و سرزمینی قطر - امارات متحده عربی
۳۷	۱۰- اختلافات مرزی و سرزمینی امارات متحده عربی - عمان
۳۹	۱۱- اختلافات و ادعاهای سرزمینی امارات متحده عربی - ایران

فصل دوم: حضور نیروها و قدرت‌های خارجی در منطقه خلیج فارس

۴۸

بهره دوم:

فصل اول: ساختارهای ناهمگون اقتصاد سیاسی کشورهای منطقه خلیج فارس

- گفتار نخست: زیرساخت های ناهمگون اقتصاد سیاسی کشورهای منطقه ۶۵
- گفتار دوم: وابستگی اقتصادی به کشورهای خارج از منطقه (مکمل نبودن اقتصاد کشورهای منطقه) ۷۹

فصل دوم: واگرایی کشورهای منطقه خلیج فارس

- گفتار نخست: واگرایی سیاسی - امنیتی ۹۶
- مبحث اول: اختلاف در ساختار سیاسی «عدم یکپارچگی سیاسی کشورهای منطقه» ۹۷
- مبحث دوم: ملی گرایی «ناسیونالیسم» در منطقه ۱۰۰
- مبحث سوم: نابرابری در سطح قدرت و تعدد قدرتهای منطقه ای ۱۰۳
- مبحث چهارم: بی ثباتی سیاسی کشورهای منطقه ۱۰۹
- گفتار دوم: واگرایی اقتصادی کشورهای منطقه خلیج فارس ۱۱۰
- «عدم تشکیل اتحادیه اقتصادی منطقه ای»
- تاریخچه و طرح مباحث تئوریک ۱۱۱
- بررسی وضعیت شورای همکاری خلیج فارس ۱۱۷

گفتار سوم: زمینه‌های مشترک همکاری‌های اقتصادی در منطقه خلیج فارس

الف - همکاری در زمینه نفت و گاز ۱۲۷

ب - همکاری جهت حفظ محیط زیست ۱۳۱

ج - همکاری در زمینه‌های کشاورزی ۱۳۲

د - بحران آب و لزوم همکاری‌های منطقه‌ای ۱۳۴

ه - همکاری‌های دریایی ۱۳۶

و - همکاری در زمینه تبادل نیروی کار ۱۴۰

نتیجه ۱۴۲

فهرست منابع ۱۴۷

پیشگفتار

منطقه خلیج فارس، یکی از مناطق مهم بین‌المللی و استراتژیک جهان است که شامل کشورهای امارات متحده عربی، ایران، بحرین، عراق، عربستان سعودی، عمان، قطر و کویت می‌باشد. این منطقه، از دیرباز تاکنون، صحنه رقابت و ستیز مجموعه‌ای از عوامل واگرا و همگرا است. بدون تردید آنچه که بیش از هر چیز، واگرایی این کشورها را در منطقه تشدید می‌نماید تضادهای سیاسی و تهدیدات امنیتی است که بر سایر مسایل دیگر تاثیر می‌گذارد؛ اما طرح موانع اقتصادی با هدف بررسی ساختار اقتصاد سیاسی کشورهای منطقه دغدغه اصلی نگارنده بود تا علیرغم وجود موانع ریشه‌ای و پایدار سیاسی به عنوان محور کار، به ابعاد اقتصادی مساله پردازد. به این جهت و با توجه به علاقه و دل‌بستگی خود به منطقه خلیج فارس به بررسی این موضوع و ارائه پایان‌نامه ام مشتاق شدم و در این راستا در حد بضاعت و توان علمی خود تلاش کردم تا از عهده این کار برآیم. مسلماً انجام این امر بدون راهنمایی و مشاورت استادان فاضل و ارجمندم آقایان دکتر ساعی و دکتر شیرخانی میسر نبود و بی‌مدد ایشان این دفتر هرگز به پایان نمی‌آمد؛ لذا از ایشان صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم.

بدیهی است این تحقیق خالی از نقصان و کاستی نمی‌باشد؛ امید است خداوند متعال توفیق در

راه کسب علم و دانش و انجام تحقیقات پربار و سودمندتری را به این جانب عنایت بفرماید.

بهمن ماه ۷۷

منصور آقامحمدی

مقدمه «طرح پژوهش»

۱- طرح مسأله:

خلیج فارس یکی از مناطق مهم بین‌المللی و سوق‌الجیشی جهان است که به وسیله تنگه هرمز با دریای عمان و اقیانوس هند مرتبط می‌شود. این شیار هلال‌گونه که پیشروی آبهای اقیانوس هند (دریای عمان) به درازای بیش از ۹۰۰ کیلومتر و پهنای متوسط ۲۴۰ کیلومتر در فروافتادگی جنوب کوه‌های زاگرس آن را به وجود آورده است، از مصب اروندرود تا شبه جزیره مسندم در عمان امتداد دارد. تنگه هرمز حد فاصل آن با دریای عمان می‌باشد ولی عموماً تنگه هرمز را بخشی از خلیج فارس می‌دانند. منطقه جغرافیایی خلیج فارس که کشورهای امارات متحده عربی، ایران، بحرین، عراق، عربستان سعودی، عمان، قطر و کویت را در بر می‌گیرد بخشی از منطقه مهم خاورمیانه به شمار می‌آید.

این موقعیت جغرافیایی در طول تاریخ نقش ارتباطی و بازرگانی مهمی را میان اروپا، جنوب و جنوب شرقی آسیا به عهده داشته است. پیدایش نفت در حوزه‌های نفتی و فلات قاره این منطقه از جهان که همزمان با حاکمیت انگلستان بر خلیج فارس بود و به عنوان ماده اصلی موتور صنایع محرکه حمل و نقل در اروپا به کار آمد، موجب افزایش اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز در سطح جهان گردید؛ به طوری که منافع حیاتی نظامی و اقتصادی آمریکا و غرب وابسته به دستیابی آزادانه به عظیم‌ترین منابع نفتی در این منطقه است.

لذا قبل از هر چیز وضعیت خاص جغرافیایی، کشورهای این منطقه را به هم پیوند داده و این ارتباط تنگاتنگ موجب تاثیرپذیری آنها از یکدیگر شده و سرنوشت مشترکی را برای این کشورها رقم می‌زند.

علاوه بر وضعیت فوق‌الذکر، این منطقه دارای ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی است که از قرار گرفتن مرکزیت ظهور اسلام و قبله مسلمانان در این منطقه ناشی می‌شود؛ بدین جهت کنترل نفوذ بر این مرکز به معنای کنترل و نفوذ بر بخش وسیعی از کره زمین - از غرب آفریقا تا شرق آسیا - که دارای ارزش‌های اقتصادی، ارتباطی و استراتژیکی خاصی می‌باشند، تلقی می‌گردد.

اشتراک دینی در منطقه باعث شده است که علیرغم تفاوت‌های قومی، زبانی و نیز مذهبی، کل منطقه از این نظر به صورت یک واحد یکپارچه جلوه‌گر شود. در این منطقه بیش از ۹۵ درصد مردم مسلمان هستند و اسلام به عنوان دین همه مردم در این کشورها مطرح می‌باشد.

تعالیم اسلام در منطقه توانسته است تمدن و فرهنگ اقوام مختلف را تحت نفوذ قرار دهد و با درآمیختن آنها با یکدیگر و تاثیر و تاثر متقابل فرهنگ‌های مردم در یکدیگر، فرهنگ و تمدنی با آثار و خواص جداگانه برای کل منطقه ایجاد کند. وجود یکپارچگی فرهنگی با ایجاد همشکلی و همسانی بین کشورهای مختلف منطقه، این امکان را فراهم می‌آورد که مردم منطقه خود را صاحب یک میراث فرهنگی مشترک بدانند. از این رو احساس تعلق به یک جامعه مشترک، مردم این کشورها را به یکدیگر پیوند می‌دهد.

علیرغم مشترکات فرهنگی ذکر شده و مجاورت و نزدیکی جغرافیایی کشورهای منطقه خلیج فارس و نیز اقدامات سیاسی و دیپلماتیک متعدد این کشورها برای حسن همکاری و مناسبات فی‌مابین، عوامل و موانع متعددی سبب واگرایی آنها در ابعاد مختلف سیاسی و اقتصادی گردیده‌است.

آنچه مسلم است هر منطقه ویژگی‌های خاص خود را دارد و نمی‌توان مسایل همه مناطق را با

یک معیار سنجید؛ مثلاً موفقیت روند همگرایی در اروپا و یا جنوب شرق آسیا به عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مربوط می‌شود و این عوامل مجموعاً توانسته‌است به این روند کمک شایانی نماید و لذا می‌توان گفت زمانی که شرایط و زمینه‌های مساعد در یک منطقه فراهم باشد، روند همگرایی رشد خواهد کرد.

با این حال در منطقه خلیج فارس وجود علت یا علل واگرایی و مسایل دخیل سبب این جدایی و ضعف آنها در حل مسایل مشترک در زمینه‌های اقتصادی گردیده است.

۲- هدف پژوهش:

هدف تحقیق حاضر، بررسی علت یا علل واگرایی کشورهای منطقه خلیج فارس از بُعد اقتصادی است. البته شاید با وجود اختلافات حاد سیاسی و تعارض بر سر منافع ملی که همه مسایل را تحت تاثیر قرار می‌دهد و نقشی که عوامل سیاسی می‌تواند در دگرگونی کامل یک جریان ایفا کرده و دوستی‌ها را به دشمنی مبدل سازد، نقش عوامل غیرسیاسی و به طور خاص اقتصادی بسیار کم‌رنگ و بی‌اهمیت تلقی شود. بنابراین با وجود موانع ریشه‌ای و پایدار سیاسی به عنوان عوامل واگرایی کشورهای منطقه شاید تصور شود که جایی برای طرح موانع اقتصادی در بحث وجود ندارد، اما طرح موانع اقتصادی با هدف بررسی ساختار اقتصاد سیاسی کشورهای منطقه ترسیم روشنی از عوامل واگرایی اقتصادی در منطقه به دست خواهد آورد. لذا در این نوشتار، با فرض ثابت تلقی نمودن نقش مسایل سیاسی و تعیین کننده بودن آنها، به لحاظ اقتصادی موضوع بررسی شده و البته از طرح موانع سیاسی نیز غفلت نخواهد شد.

در منطقه خلیج فارس علیرغم اشتراکات بسیار زیادی که وجود دارد از جمله دین اسلام، مرز مشترک آبی، ذخایر عظیم نفت و گاز، منابع غنی دریایی و... اما این کشورها به لحاظ اقتصادی از هم واگرا بوده و نتوانسته‌اند به موفقیتی نایل شوند. لذا سعی بر این است که با دادن پاسخ این ناتوانی راه حلی نیز برای آن ارائه شود.

۳- متغیرهای دخیل

در ارتباط با بیان واگرایی کشورهای منطقه خلیج فارس در زمینه‌های اقتصاد سیاسی متغیرهایی دیده می‌شود که عبارتند از:

الف - اختلافات مرزی و ادعاهای سرزمینی کشورهای منطقه:

در منطقه خلیج فارس، کمتر کشوری را می‌توان یافت که با همسایه و یا همسایگان اختلاف مرزی و یا ادعای سرزمینی نداشته باشد. حتی موضوع تعیین فلات قاره و حد و حدود آبهای سرزمینی آنها نیز بعضاً موجب اختلافات بوده است. برای مثال می‌توان از اختلافات مرزی و ادعاهای سرزمینی عراق و کویت، عربستان سعودی و قطر، عراق و ایران، امارات متحده عربی و ایران و... نمونه‌هایی را ذکر کرد.

در مقابل، مشابه چنین اختلافات مرزی در منطقه خلیج فارس، اختلافاتی نیز در شرق آسیا قابل مشاهده می‌باشد. برای نمونه، درگیری بر سر رشته جزایر «اسپراتلی» بین چین و چهار کشور عضو آ.سه. آن در منطقه شمال و جنوب شرق آسیا، یا اختلاف ویتنام و چین بر سر ادعای

حاکمیت بر جزایر «پاراسل» در حوزه شمالی و جنوب شرق آسیا، اختلاف چین و ژاپن بر سر جزایر «دیائویو» و ادعای مشابه تایوان نسبت به همان جزایر و... از جمله اختلافات مرزی کشورهای شرق و جنوب شرق آسیاست، اما این اختلافات موجب نگردیده تا به لحاظ اقتصادی از هم واگرا باشند.

ب - حضور نیروها و قدرت‌های خارجی در منطقه:

خلیج فارس به لحاظ داشتن ارزش‌های خاص اقتصادی، ارتباطی و استراتژیک همواره مورد توجه و کانون رقابت قدرت‌های بزرگ جهان بوده است و این رقابت‌ها کماکان نیز وجود دارد. امروزه این حضور و سلطه‌گری در برنامه‌ها و سیاست‌های آمریکا و متحدین غربی‌اش در منطقه موجبات ناامنی گسترده‌ای را در این نقطه حساس از جهان فراهم آورده است.

چنین حضور سلطه‌گرانه و قدرتمندانه قدرتهای بزرگ نیز در منطقه شرق آسیا دیده می‌شود؛ برای مثال حضور نیروهای نظامی آمریکا در ژاپن، کره جنوبی و... قابل ذکر است. آمریکا اعلام کرده است که یک صد هزار سرباز خود (۴۶ هزار در ژاپن، ۲۷ هزار در کره و...) را در آسیا - پاسیفیک نگه خواهد داشت، درست به تعداد نیروهایش در اروپا... اما آسیای جنوب شرقی علیرغم حضور نیروهای خارجی، در حال حاضر از ثبات نسبی و رشد اقتصادی چشمگیری برخوردار است.

ج - ساختارهای ناهمگون اقتصاد سیاسی کشورهای منطقه:

به دلیل وجود زیرساخت های ناهمگون اقتصاد سیاسی کشورهای منطقه خلیج فارس، وابستگی اقتصادی به کشورهای خارج از منطقه (مکمل نبودن اقتصاد) که نشأت گرفته از صادرات تک محصولی کشورهای این منطقه می باشد، رقابتی میان آنها شکل می گیرد که مانع ایجاد وابستگی متقابل فی مابین می شود. نتیجه ای که با وجود چنین ساختارهای ناهمگون اقتصاد سیاسی در کشورهای منطقه حاصل می شود، واگرایی اقتصادی است.

۴- فرضیه ها

براساس سه متغیر ارائه شده، سه فرضیه در مورد چرایی واگرایی کشورهای منطقه خلیج فارس از لحاظ اقتصادی می توان ارائه نمود. در این بررسی، فرضیه های اول و دوم که براساس دو متغیر اول و دوم ارائه می شود به عنوان فرضیه های جانشین رقیب در نظر گرفته شده است و فرضیه سوم که براساس متغیر سوم تنظیم شده به عنوان فرضیه اصلی مد نظر قرار خواهد گرفت

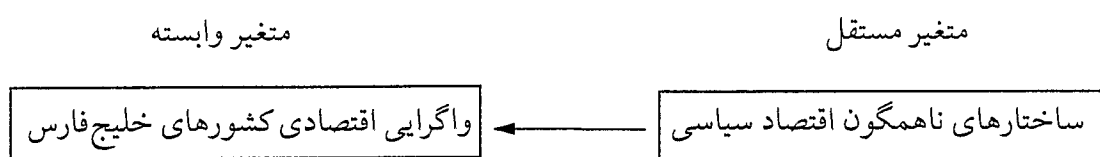
الف - اختلافات مرزی و ادعاهای سرزمینی کشورهای منطقه خلیج فارس با یکدیگر موجب واگرایی آنها گردیده است.

ب - حضور نیروها و قدرتهای خارجی بزرگ در منطقه خلیج فارس موجب واگرایی کشورهای منطقه بوده است.

ج - ساختارهای ناهمگون اقتصاد سیاسی کشورهای منطقه خلیج فارس عامل واگرایی آنها بوده است.

۵- فرضیه اصلی:

در پاسخ به سؤال اصلی این پژوهش فرضیه اصلی ما این است که: وجود ساختارهای ناهمگون اقتصاد سیاسی کشورهای منطقه خلیج فارس عامل واگرایی اقتصادی آنها بوده است.



۶- تعاریف عملی فرضیه:

تعاریف عملی که ما از متغیرهای این فرضیه می‌توانیم داشته باشیم به این صورت خواهد بود که: ساختارهای ناهمگون اقتصاد سیاسی به عنوان متغیر مستقل با شاخص‌های زیر بررسی می‌شود:

- ۱- زیرساخت‌های ناهمگون اقتصاد سیاسی کشورهای منطقه خلیج فارس
- ۲- وابستگی اقتصادی به کشورهای خارج از منطقه (مکمل نبودن اقتصاد) و تک محصولی واگرایی کشورهای منطقه خلیج فارس نیز به عنوان متغیر وابسته با شاخص‌های زیر بررسی می‌شود:

الف - واگرایی سیاسی - امنیتی :

۱- اختلاف در ساختار سیاسی کشورهای منطقه

۲- ملی‌گرایی